بسم الله الرحمن الرحیم

[اربعین و بازخوانی نظریه انتظار فرج](https://www.mashreghnews.ir/news/657543/%D8%A7%D8%B1%D8%A8%D8%B9%DB%8C%D9%86-%D9%88-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C%D9%87-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%B8%D8%A7%D8%B1-%D9%81%D8%B1%D8%AC)

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی

بسم الله الرحمن الرحیم،

موضوع بحث ،"اربعین و بازخوانی نظریه انتظار فرج"است[[1]](#footnote-1) .

علت اهمیت فوق العاده این بحث، این است که با ترسیم خطی روشن، تکلیف شیعیان را در دوران پر فراز و نشیب غیبت کبری مشخص می کند.

برای شروع، اجمالا به چند نکنه مهم از باب مدخل اشاره می کنم.

1. **امام زمان؛ چشم خدا**

امام زمان (ع)، نه تنها حی و حاضر است، بلکه عین الله است. عین الله در یک معنا، یعنی امام (ع)، ناظر بر کل عالم و به تبع آن، ناظر بر تک تک افعال بندگان خداست. قرآن مجید در سوره توبه آیه 105 می فرماید :« وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَي اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلي‏ عالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ فَيُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ ای پیامبر بگو، هر چه می خواهید عمل کنید، سپس خدا عمل شما را خواهد دید و همچنین پیامبرش و مؤمنان نیز می بینند، و بزودی بسوی دانای غیب و آشکار باز گردانده می شوید و آنگاه او شما را به آنچه کرده اید، خبر می دهد». از این آیه شریفه، نه تنها استنباط می شود که جانشین بر حق پیامبر (ص) یعنی ائمه هدی (ع) ناظر اعمال بندگان خدا هستند؛ بلکه مؤمنان واقعی که عالی ترین مصداق آن یعنی ولی و حجت خدا بر روی زمین، ناظر و مشرف بر اعمال و رفتار مردم هستند. امام مهدی (ع) می فرمایند : إنّا نُحیطُ عِلْماً بِأنْبائِكُمْ، وَ لا یَعْزُبُ عَنّا شَیْىءٌ مِنْ أخْبارِكُمْ. یعنی ما بر تمامى احوال و اخبار شما آگاه و آشنائیم و چیزى از شما نزد ما پنهان نیست. (بحارالأنوار: ج 53، ص 175)اینکه در روایات داریم که هفته ای دو مرتبه پرونده همه ما بر امام زمان (ع) عرضه می شود، و این پرونده ها موجبات خوشحالی یا ناراحتی امام (ع) را فراهم می کند، ناظر بر همین قاعده کلی است.

1. **مهدی (ع)؛ مجرای فیض الهی**

امام زمان(ع)، مجرا و مسیر فیض الهی در این عالم است. در حقیقت، روشن است که هیچکس جز انسان کامل ظرفیت دریافت مستقیم فیض الهی را ندارد و فیوضات الهی- چه مادی و چه معنوی- از طریق انسان کامل و البته بر حسب تقدیر الهی به عالم منتقل می شود. در زیارت جامعه کبیره خطاب به ائمه هدی (ع) عرض می کنیم : ﺍَﻟﺴَّلاَمُ ﻋَﻠَﻲ ﻣَﺤَﺎﻝِّ ﻣَﻌﺮِﻓَﺔِ ﺍﻟﻠَّﻪِ ﻭَ ﻣَﺴَﺎﻛِﻦِ ﺑَﺮَﻛَﺔِ ﺍﻟﻠَّﻪِ ﻭَ ﻣَﻌَﺎﺩِﻥِ ﺣِﻜﻤَﺔِ ﺍﻟﻠَّﻪِ ... . یا عرض می کنیم : ﻭَ ﺑِﻜُﻢ ﻳَﺨﺘِﻢُ (ﺍَﻟﻠَّﻪُ) ﻭَ ﺑِﻜُﻢ ﻳُﻨَﺰِّﻝُ ﺍﻟﻐَﻴﺚَ ﻭَ ﺑِﻜُﻢ ﻳُﻤﺴِﻚُ ﺍﻟﺴَّﻤَﺎءَ ﺃَﻥ ﺗَﻘَﻊَ ﻋَﻠَﻲ ﺍلأَﺭﺽِ ﺇلاَّ ﺑِﺈِﺫﻧِﻪِ ﻭَ ﺑِﻜُﻢ ﻳُﻨَﻔِّﺲُ ﺍﻟﻬَﻢَّ ﻭَ ﻳَﻜﺸِﻒُ ﺍﻟﻀُّﺮَّ و ... . خب، طبیعی است این موضوع درباره امام حی و حاضر و منجی عالم بشریت، به طریق اولی موضوعیت دارد کما اینکه خود امام مهدی (ع) در روایتی فرموده اند : قُلُوبُنا اَوْعِیَهٌ لِمَشیَّهِ اللهِ، فَإذا شاءَ شِئْنا؛ قلوب ما ظرف هائى است براى مشیّت و اراده الهى، پس هرگاه او بخواهد ما نیز مى خواهیم.(بحارالأنوار: ح 2، ص 90، ح 13) یا درجای دیگر در ارتباط با نحوه اثرگذاری خودشان در دوران غیبت می فرمایند : وَ أَمَّا وَجْهُ الِانْتِفَاعِ بِی فِی غَیْبَتِی فَکَالِاِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَ إِنِّی لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ کَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛ چگونگی بهره مندی از وجود من در دوران غیبتم، همچون بهره ای است که از خورشید می برند هنگامی که ابر آن را از دیدگان نهان میکند. سپس در ادامه می فرمایند : من مایه امان اهل زمینم، همانطور که ستارگان مایه امان اهل آسمانند(بحارالأنوار، ج 75، ص 380).

1. **اهداف منجی**

هدف عمده از قیام جهانی مهدی موعود، اولا، احیاء و جهانی کردن اسلام ناب محمدی(ص) و ثانیا، برچیدن بساط ظلم و فساد، و غلبه و حاکمیت صالحان بر روی زمین است که البته هدف دوم وابسته به تحقق هدف اول است و از خودش استقلالی ندارد چراکه اگر اسلام ناب، احیاء و سپس جهانی شد، به تبع آن، مسیر برای برچیده شدن بساط ظلم و فساد در جهان، شکل گیری حکومت مستضعفین و صالحین و در نهایت، حیات حقیقی انسانها فراهم می شود. قرآن مجید در سوره انفال آیه 24 می فرماید : «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اسْتَجيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاکُمْ لِما يُحْييکُمْ. ؛ ای کسانیکه ایمان آورده اید،خدا و رسولش را زمانیکه شما را به سوی آنچه زنده تان می سازد دعوت می کنند، اجابت کنید». بنابراین اگر اسلام ناب برقرار شد، به طور طبیعی اهداف دیگر که جزء وعده های قطعی الهی است، یکی پس از دیگری محقق می شود.

1. **خط امام مهدی (ع) و خونخواهی خون خدا**

خط امام مهدی(ع)، همان خط امام حسین (ع) است و کار ایشان، در حقیقت به کمال رساندن کار امام حسین (ع) است. در واقع، همانطور که امام حسین(ع)فرمودند :« إِنّى لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًا وَلا بَطَرًا وَلا مُفْسِدًا وَلا ظالِمًا وَإِنَّما خَرَجْتُ لِطَلَبِ الاِصْلاحِ فى أُمَّةِ جَدّى، أُريدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسيرَ بِسيرَةِجَدّى وَأَبى عَلِىِّ بْنِ أَبيطالِب؛ من از روى خود خواهى و خوشگذرانى و يا براى فساد و ستمگرى قيام نكردم، من فقط براى اصلاح در امّت جدّم از وطن خارج شدم؛ می خواهم امر به معروف و نهى از منكر كنم و به سيره و روش جدّم و پدرم على بن ابيطالب عمل كنم» متقابلا، فرزند بزرگوارشان نیز به دنبال اصلاح و احیای اسلام ناب محمدی (ص) و علوی (ع)که به تعبیر معصوم (ع) به پوستینی وارونه تبدیل شده، و همچنین بهره مند سازی جامعه جهانی از ثمرات امربه معروف و نهی از منکر می باشد. پس خط مهدوی همان خط حسینی (ع) است. بیان این نکته لازم است که وقتی از ناحیه معصوم (ع) توصیه شده تا به مناسبت عزای عظمای حسینی (ع) به همدیگر بگوییم اَعظَمَ اللهُ اُجُورَنا بمُصابنا بالحُسَين(ع) وَ جَعَلَنا وَ اِياکُم مِنَ الطالبينَ بثاره مع وَليهِ الاِمام المَهدي مِن آلِ مُحَمَدٍ عليهمُ السَلامُ، یک پیام بسیار مهم در این عبارت نهفته است و آن، بحث خون خواهی امام حسین (ع)، توسط فرزند بزرگوارشان مهدی موعود ارواحنا فداه است. این خون خواهی به چه معناست؟ قاتلان ملعون امام که صدها سال است به مرده اند و این دنیا هم که در دوران ظهور امام (ع)، هنوز صحنه قیامت کبری نیست که موعد مجازات حقیقی و نهایی آنها فرا رسیده باشد؛ پس معنای خون خواهی چیست؟ قبل از هر چیز، باید بدانیم که امام حسین(ع)خون خداست؛ ثارالله است. بنابراین خون خواهی امام حسین (ع) به عنوان حجت و ولی خدا، یک انتقام گیری شخصی نیست که فرزندی نسبت به پدر آن را انجام می دهد؛ بلکه یک ماموریت عظیم الهی است که توسط امام زمان (ع) باید انجام شود. با این وصف، خون خواهی، انتقام از همه کسانی است که به زعم خود، جلوی حرکت الهی انبیاء و در رأس همه، حرکت پیامبر گرامی اسلام (ص) و جانشینان بر حق ایشان را گرفتند و جهان را پر از ظلم و فساد کردند. خود امام حسین (ع) در این زمینه می فرمایند : « يَظهَرُ اللَّهُ قائِمَنا فَيَنتَقِمُ مِنَ الظّالِمینَ؛ خداوند قائم ما را از پس پرده غیبت بیرون می آورد، آنگاه او از ستمگران انتقام می گیرد».

( اثباة الهدي، ج 7، ص 138). بنابراین، معنای خون خواهی این است که امام زمان (ع)، با قیامشان، به اذن و اراده الهی، انتقام خداوند و در طول آن، انتقام مظلومان جهان را در این دنیا از شجره خبیثه ظلم و ستم خواهد گرفت و ریشه این درخت پلید و خون آشام را خشک خواهد کرد. یک شاخه بزرگ این درخت،بنی امیه ها و بنی مروان ها و بنی عباس ها و غیره هستند که هنوز دست از مقابله با دین خدا و کشتار اصحاب حق بر نداشته اند، و شاخه های دیگر آن شجره خبیثه، سایر ستمگران جهان و در رأس آنها صهیونیست ها هستند که همواره بخش مهمی از مظالم و مفاسد عالم توسط آنها و عُمّال آنها طراحی و عملیاتی می شود. ضمنا بدانید که این خون خواهی، لزوما به منزله مجازات فیزیکی نیست؛ خیر، خون خواهی جنبه فکری و فرهنگی نیز دارد که اتفاقا به مراتب از جنبه مجازات فیزیکی والاتر و مؤثرتر است. یعنی امام زمان(ع) با قیامشان، کاری خواهند کرد که طومار تفکرات باطل و فاسد برای همیشه پیچیده خواهد شد. البته دقت شود که این خون خواهی، چه به معنای مجازات فیزیکی ستمگران، و چه به معنای غلبه فکری و فرهنگی، بنا به سنت الهی، تدریجی و مرحله به مرحله انجام می گیرد و آخرین فصل آن -که زدن ریشه شجره خبیثه است- به دست امام زمان ارواحنا فداه رقم خواهد خورد. در واقع، اینگونه نیست که در دوران غیبت، موضوع مبارزه با ظلم و خون خواهی از جنایتکاران عالم، تعطیل شود و همه منتظر بمانند تا خوان خواهی صرفا توسط مهدی موعود ارواحنا فداه انجام شود.

1. **انقلاب درونی، روش مهدی موعود (ع)**

روش اصلی امام زمان(ع) در برچیدن بساط ظلم و فساد، روش انقلاب درونی است. همان « وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ اَلْعُقُولِ؛ تا گنجینه‌هاى خرد را در میان انسانها برانگیزانند »(تفسیر نورالثقلین،ج1،ص576)است. به تعبیر امیرالمؤمنين علی (ع)، پیامبران و اولیای الهی آمده اند تا با ایجاد یک انقلاب عظیم درونی، و بیرون کشیدن دفینه های عقلی از عمق جان ها، انسانها را به خودشان بیاورند و بیدار کنند. این بیداری چنان نیرویی در وجود انسانها خلق می کند که هیچ قدرت مادی تاب مقاومت در برابر آن را ندارد. اینکه در دوران ظهور، مردم عالم از ادیان مختلف، فوج فوج گرد امام (ع) جمع می شوند، به خاطر همین انقلابی است که امام در درون انسانها بوجود می آورد و همین انقلاب، فضای گفتمانی مسلطی را در عالم پدید خواهد آورد که در این فضا به طور طبیعی امور مردم در چرخه شریعت حقه الهی تعریف و دائما بسط و عمق پیدا می کند. ما صحنه کوچکی از این انقلاب درونی را در حرکت امام خمینی (ره) در سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب و دوران دفاع مقدس تجربه کردیم.

1. **فراهم سازی مقدمات ظهور، وظیفه منتظران**

در عصر غیبت، باید مقدمات ظهور امام زمان (ع) را فراهم کرد. در واقع، سر اینکه از انتظار فرج در تعالیم اسلامی، به أفضل الأعمال تعبیر شده است این است که بواسطه آن، مقدمات ظهور مهیا می گردد. این تفکر غلطی است که عده ای انتظار فرج را تنها به ایجاد امید تفسیر کرده اند. بله، در بطن انتظار فرج امیدبخشی نیز هست و این امید در جای خود حقیقتا راهگشاست اما چگونه می شود که یک امیدواری صرف و خالی از تحرک و مجاهدت، أفضل الأعمال معرفی شود؟ مؤمنین در اوج ضعف و فلاکت بنشینند و تماشاگر انواع مظالم و مفاسد باشند، بدون اینکه حرکتی از آنها دیده شود، آنوقت به صرف داشتن یک امید غیر مؤثر، اجر برترین أعمال برای آنها منظور شود؟! این با منطق اسلام سازگار نیست. خود امام مهدی ارواحنا فداه می فرمایند : فَلْیَعْمَلْ کُلُّ امْرِء مِنْکُمْ بِما یَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنا، وَیَتَجَنَّبُ ما یُدْنیهِ مِنْ کَراهَتِنا وَسَخَطِنا. یعنی هر یک از شما باید کارى کند که وى را به محبت و دوستى ما نزدیک سازد، و از آن چه خوشایند ما نیست و باعث کراهت و خشم ماست دورى گزیند. (بحارالأنوار، ج53، ص176، ح7). آیا با گوشه نشینی و پرهیز از قیام می توان این توقع روشن امام (ع) را در سطح جامعه مسلمین محقق ساخت؟ آیا با تعطیل شدن امر به معروف و نهی از منکر، با متوقف شدن جهاد و با بی اعتنایی به فقرزدایی که از اصول اسلام هستند، موجبات خشم امام فراهم نخواهد شد؟ و آیا اصولا با سکون و تماشاگری، مقدمات ظهور مهیا خواهد شد؟ لذا ما آن انتظار فرجی را حقیقتی می دانیم که به تعبیر استاد شهید مطهری، در آن حرکت و سازندگی وجود داشته باشد نه انفعال، سکون و بی خیالی. از طرف دیگر، تفکر نادرست دیگری نیز وجود دارد که تصور می کند ظهور و قیام مهدی موعود (عج)، تماما با اعجاز و کرامات الهی و نیروهای فوق مادی و فوق بشری اتفاق می افتد. این خود یکی از دلایل شکل گیری برخی باورهای غلط در خصوص انتظار فرج است. خیر، هرچند حضور نیروی فوق مادی و فوق بشری به اذن و مدد خداوند در قیام حضرت (ع) امری غیرقابل انکار است ولیکن این دنیا تا دنیاست و قواعد دنیا در آن پابرجاست، تکیه اصلی هر نوع حرکت الهی در عالم بر روی سعی و تلاش و مجاهدت مؤمنین است و نصرت الهی هم مشروط به همین مجاهدت های خالصانه است. يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُركُم وَيُثَبِّت أَقدامَكُم. ( سوره محمد آیه 7).

1. **پیاده روی اربعین، لبیک به امام زمان (ع)**

شکل گیری وضع اضطرار به همراه اشتیاق حقیقی به ظهور و همراهی با امام، شرط ظهور است. این موضوع، می تواند به طرق گوناگون بروز و ظهور پیدا کند و به نظر می رسد پیاده روی عظیم اربعین در این عرصه، از دو منظر می تواند مهم باشد :

یکی نشان دهنده سطحی از اضطرار است، دوم لبیک به امام ارواحنا فداه.

اینکه این جمعیت کثیر با این شور و حرارت، با چشمان اشک بار و البته با نوعی از سراسیمگی به سمت کربلا حرکت می کنند، یعنی اینکه شرایط برای آنها سخت شده است. البته فهم آستانه تحمل مسلمانان و کل مردم جهان در دایره علم و توان ما نیست لکن امروز با نشانه هایی روبرو هستیم که در بطن آن، وضع اضطرار و طلب حقیقی ظهور تا حد زیادی هویداست. از طرف دیگر، شعار اصلی این جماعت در پیاده روی اربعین، لبیک یا حسین (ع) است که ترجمه آن، همان لبیک یا مهدی(ع) است. در حقیقت، این جوانان که خطرات و سختی های سفر را به جان خود خریده اند، یک حرف اساسی دارند و آن این است که یا صاحب الزمان! همانطور که در حفظ انقلاب اسلامی و حفظ خط مقاومت علیه نظام سلطه، و همانطور که در دفاع از حرم اهل بیت (ع) و حفظ کیان تشیع امتحان خود را به خوبی پس دادیم، امروز در یاری شما نیز تا پای جان ایستاده ایم و به نظر می رسد مهم ترین رمز پیاده روی اربعین، طرح همین حرف اساسی است.

 از نظر ما، مؤلفه های انتظار فرج، مولودِ باور به ضرورت« فراهم سازی مقدمات ظهور» است.

 بنابراین، باید سئوال کنیم که چه نوع انتظار فرجی مهیا کننده مقدمات ظهور امام زمان ارواحنا فداه می باشد. در پاسخ به این پرسش مهم، به هفت مؤلفه اصلی انتظار فرج اشاره می شود که می تواند انشاالله نقشی منحصربفرد در فراهم سازی مقدمات ظهور ایفا کند:

**اول. تقویت باورهای اسلامی**

تلاش دائم برای تقویت بنیه اعتقادی اعضاء جامعه اسلامی، یکی از مهم ترین مؤلفه های انتظار فرج به شمار می رود. برای این امر، شکل گیری مثلث "تقوا"، "علم و خردورزی" و "ایمان"، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. در واقع، تقوا بستر وجود آدمی را برای رشد معارف الهی آماده می کند، طبیعی است که در زمین شوره زار گیاه مفیدی رشد نمی کند. در گام بعد، علم به واقعیت ها و حقایق عالم و خردورزی و تعقل درباره آن ضرورت دارد، و در نهایت، پیوند این علم و تعقل با قلب انسان -که نام این پیوند را ایمان می گذاریم - باور را در جان انسان مستقر می سازد. باید توجه داشت که در این پیوند نیز تقوا نقش منحصربفردی را بازی می کند. به بیان دیگر، ایمان در قلوب آلوده خلق نمی شود و تنها راه دفع این آلودگی ها، تقواست. در عصر غیبت، مهم ترین وظیفه ما کوشش هدفمند و برنامه ریزی شده برای تقویت باورهای اسلامی است و این امر، از طریق ارتقاء نیروی تقوا و همچنین بالابردن بنیه فکری و عقلی حاصل می شود.

**دوم. بارور سازی شجره طیبه اخلاق**

اخلاق یک امر فطری است و از درون انسانها می جوشد. کارکرد دین درباره اخلاق، به جوشش در آوردن اخلاق و جاری کردن آن در زندگی فردی و اجتماعی است. هنر منتظران واقعی در دوران غیبت، همین است که بتوانند اخلاق اسلامی را در جامعه اسلامی رونق دهند و موانع را از پیش روی تحقق آن بردارند. گرچه این امر محتاج انواع برنامه ریزی ها و کوشش های هدفمند و نظام مند است لکن باید توجه داشت، هیچ امری در بسط و اشاعه اخلاق، به اندازه عمل اخلاقی نخبگان و رهبران جامعه اسلامی مؤثر نیست چنانکه از امام صادق (ع) منقول است که فرمودند كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ. در نقطه مقابل، هیچ عامل مخربی در جامعه اسلامی، بدتر و شدیدتر از آلوده شدن نخبگان جامعه و اطرافیان آنها به آلودگی های اخلاقی نیست.

**سوم. حفظ شریعت اسلامی**

میثاق همه مؤمنان حقيقي در دوران غیبت، و الفبای انتظار، عمل به مُرِّ شریعت الهی است. امام مهدی (ع) در یک اتمام حجت می فرمایند :« إِجْعَلُوا قَصْدَکُمْ إِلَیْنا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْواضِحَةِ، فَقَدْ نَصَحْتُ لَکُمْ، وَاللّهُ شاهِدٌ عَلَیَّ وَعَلَیْکُمْ؛ هدف و قصد خویش را نسبت به محبّت و دوستى ما ـ اهل بیت عصمت و طهارت ـ بر مبناى عمل به سنّت و اجراى احکام الهى قرار دهید؛ پس همانا که موعظه ها و سفارش هاى لازم را نمودم، و خداوند متعال نسبت به همه ى ما و شما گواه است». (بحارالأنوار، ج 53، ص 178) از طرف دیگر، هیچ راه مطمئن و مشروعی به جز فقاهت و اجتهاد برای به دست آوردن احکام شرعی وجود ندارد و هر مسیر دیگری برای دسترسی به احکام الهی، باطل و شیطانی است. امام مهدی (ع) می فرمایند :« وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِیهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِیثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِی عَلَیْکُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّه علیهم؛در پیشامدهای اجتماعی، به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من هم حجت خدا بر آنان هستم». با این وصف، تلاش همه جانبه و فراگیر اولا، برای پویا نگه داشتن فقه از طریق اجتهاد و ثانیا، برای جاری و ساری کردن نتایج آن در تمامی عرصه های فردی و اجتماعی جزء وظایف اساسی منتظران در دوران غیبت قلمداد می شود. پس تخفیف فقه و فقاهت و یا توهین و جسارت به فقهای جامع الشرایط، نه تنها با فلسفه انتظار همخوانی ندارد، بلکه ضد انتظار تلقی می شود.

**چهارم. شکل گیری حاکمیت اسلامی مبتنی بر بضاعت ها**

این از بدیهیات است که به جریان در آوردن احکام و ارزش های الهی در جامعه اسلامی و همچنین مبارزه با مفاسد و پلشتی ها، جز از طریق شکل گیری حاکمیت اسلامی امکان پذیر نیست به همین خاطر بر مؤمنین واجب کفایی است تا اگر شرایط را مهیا دیدند، لحظه ای برای تشکیل حاکمیت اسلامی با محوریت اصل مترقی ولایت فقیه درنگ نکنند. البته طبیعی است که حاکمیت اسلامی در دوران غیبت مبتنی بر بضاعتها است و نباید از حکومت های اسلامی در عصر غیبت امام زمان (ع)، توقعی فراتر از بضاعت طبیعی آنها داشت یا ناکامی های محتمل آنها را به منزله ناتوانی ذاتی حاکمیت اسلامی به حساب آورد. با این حال، هیچگونه کوتاهی در ساخت

یک حکومت کارآمد و خالی از عیوب حکومت های عرفی از ما پذیرفته نیست. باید توجه داشت، یکی از وظایف کلیدی حکومت های اسلامی در عصر غیبت، بسترسازی برای پیشرفت همه جانبه جامعه اسلامی، خصوصا پیشرفت اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی است. مسلما فقر و تنگدستی در شأن جامعه اسلامی نیست و فرصت تسلط جریان کفر و باطل را بر مسلمانان فراهم می کند لذا تقویت بنیه اقتصادی مسلمانان در دوران غیبت، اهمیت فوق العاده ای دارد.

**پنجم. برجسته نگه داشتن مرز حق و باطل و جلوگیری از مخلوط شدن ایندو با هم**

رویارویی دو نیروی حق و باطل که قرآن مجید گاه از آن به تقابل حزب الله و حزب الشیطان تعبیر می کند، یک حقیقت غیرقابل انکار است. نمی توان هم زمان در نیروی حق قرار داشت و با نیروی باطل نیز مرتبط بود؛ لذا اسلام همواره مرزهای روشنی را برای تفکیک جبهه حق از جبهه باطل ترسیم می کند تا مسلمانان موقعیت خود را گم نکنند. در دوران غیبت به طور طبیعی فتنه ها افزایش می یابد و این فتنه ها مرزهای میان دو جبهه حق و باطل را کمرنگ می کنند به همین خاطر بر علماء و مؤمنین روشن بین، واجب است که برای حفظ جبهه حق و جلوگیری از ریزش در این جبهه، با برافراشته نگه داشتن پرچم های حق، مرزهای میان جبهه حق و جبهه باطل را دائما پررنگ نگه دارند.

**ششم. جهانی کردن اسلام ناب**

اسلام یک دین جهانی است. قرآن مجید در سوره توبه آیه 33 می فرماید :« هُوَ الَّذي أَرسَلَ رَسولَهُ بِالهُدى وَدينِ الحَقِّ لِيُظهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَو كَرِهَ المُشرِكون؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند» . به طور طبیعی، قیام امام زمان (ع) نیز جهانی است. بنابراین، یکی از اقدامات اساسی منتظران در جهت فراهم سازی مقدمات ظهور، تلاش خستگی ناپذیر، اولا برای شکل گیری و تقویت اتحاد در دنیای اسلام، و ثانیا، روشنگری و هماهنگ سازی صاحبان ادیان گوناگون برای پیگیری اهداف بزرگ الهی است. این حرکت، علاوه بر اینکه جبهه باطل را به ضعف خواهد کشاند، به آماده سازی جهان به فهم پیام مهدویت و همچنین پیوستن مردم در اقصی نقاط جهان به قیام جهانی امام (ع) کمک خواهد کرد.

**هفتم. آمادگی مستمر برای همراهی با امام (ع) شامل:**

**یکم. مراقبت از ایمان**

روشن است که در دوران غیبت امام (ع) روز به روز بر حجم شبهات افزوده خواهد شد. چه شبهات اعتقادی و چه سست کردن احکام و قواعد دینی. از جمله شبهاتی که در دوران غیبت ایمان جوانان را نشانه می رود، شبهه درباره وجود حضرت مهدی (ع) و قیام ایشان است. امام حسین (ع) در این زمینه می فرمایند : « لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى اَلدِّينِ آخَرُونَ فَيُؤْذَوْنَ وَ يُقَالُ لَهُمْ " مَتىٰ هٰذَا اَلْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صٰادِقِينَ" أَمَا إِنَّ اَلصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى اَلْأَذَى وَ اَلتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ اَلْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اَللَّهِ صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ »؛برای او غیبتی است که گروهی در آن از دین خدا بر می گردند و گروهی دیگر بر دین خود ثابت می مانند، که این گروه را اذیت کرده و به آنها می گویند: «پس این وعده چه شد اگر راست می گویید؟» آگاه باشید آنکه در زمان غیبت او بر آزار و اذیت و تکذیب صبر کند همانند کسی است که در مقابل رسول خدا(ص) با شمشیر به جهاد برخاسته است. ( موسوعة کلمات الامام الحسین، صص 666- 655، ح 703)

**دوم. تهذیب نفس**

قلب های ضعیف یا بیگانه از ملکوت، چشم های کم سو و گوش های کم شنوا نه تنها به مهیا شدن مقدمات ظهور کمکی نمی کنند، بلکه به طریق اولی قادر به همراهی با امام در قیام نیستند. بنابراین، تلاش مستمر برای خودسازی، یکی از وظایف اصلی منتظران در دوران غیبت به شمار می رود. این آیه شریف شعار اصلی منتظران در مسیر خودسازی است « وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى، فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ؛ اما هر كس كه از ايستادن در برابر پروردگارش ترسيده و نفس را از هوى بازداشته، بهشت جايگاه اوست». (سوزه نازعات آیه 40 و 41 )

**سوم. بالا بردن افق دید**

نگرش های ضعیف و سطحی، قادر به درک درست مسائل گذشته جامعه اسلامی نیز نیستند چه رسد به مسائل روز و آینده، و لذا حتما وجود این نگرش ها با انتظار فعال و سازنده منافات دارند. اعضاء جامعه اسلامی باید با عنایت به اهمیت فوق العاده این موضوع، از تیزبینی لازم بهره مند باشند و با بالابردن افق دید خودشان، به فراهم شدن مقدمات ظهور کمک کنند. لازمه این امر بصیرت افزایی دائم از سوی اصحاب معرفت و تقویت بنیه فکری مردم خصوصا جوانان است. البته افزایش بصیرت، مقتضی پهن بودن بساط خردورزی و آزاداندیشی است. اگر در جامعه اسلامی بساط تعقل و آزاد اندیشی جمع شود، هیچگاه زمینه تقویت بنیه فکری مردم مهیا نخواهد شد و تلخ تر اینکه کوته بینی، به سرنوشت محتوم آن مردم تبدیل خواهد شد.

**چهارم. مرعوب نشدن در برابر هیمنه جریان مادیگرا**

خداوند متعال در سوره رعد آیه 17 در توصیف پوچی ذاتی جریان باطل ( علی رغم ظواهر فریبنده و پر سر و صدایش ) آن را به کف روی آب تشبیه می کند که نه سودی می رساند و نه ماندنی است. البته جریان باطل به دلیل عدم رعایت چارچوب های عقلی و اخلاقی به ثروت های عظیمی دست پیدا می کند و این ثروت ها را در جهت دست یابی به اهداف ظالمانه و تثبیت قدرت خود بکار می گیرد که نتیجه آن، شکل گیری یک دستگاه مادی به ظاهر عظیم، قدرتمند و نفوذ ناپذیر است لکن قرآن همین دستگاه را از خانه عنکبوت سست تر توصیف می کند. مَثَلُ الَّذينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِياءَ کَمَثَلِ الْعَنْکَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتاً وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْکَبُوتِ لَوْ کانُوا يَعْلَمُونَ. ( سوره عنکبوت آیه 41 ). پس دقت دقت شود که حفظ جریان حق و حضور آن در صحنه در عصر غیبت منوط به باور به این پیام صریح قرآن و مرعوب نشدن در برابر جریان باطل است. خیلی ها در عصر غیبت مرعوب هیمنه جریان مادیگرا شده و لذا یا در درون آن هضم می شوند و یا دستور توقف و سکون در برابر آن را صادر می کنند! بنابراین، یکی از صحنه های جدی و پرخطر در عصر غیبت فهم این واقعیت است که جریان باطل به هر درجه ای از قدرت نیز رسیده باشد، در برابر جریان حق شکننده است. البته به لطف الهی، ما در دوره ای زندگی می کنیم که بارها توخالی بودن جریان باطل و ترس و واهمه آنها از جریان حق با وجود قلت امکانات را مشاهده کرده ایم.

**پنجم. همراهی همه جانبه با ولی فقیه**

ولی فقیه با شرایطی که در شرع مقدس برای آن منظور شده است، نایب عام امام زمان(ع) و زمامدار امور مسلمین در دوران غیبت است. البته باور به ولایت فقیه و لزوم تبعیت از آن، مستلزم درک فقه و نقش منحصربفرد آن در تعیین تکالیف اسلامی و اجرای دستورات اجتماعی شرع در عصر غیبت معصوم (ع) است. به بیان دیگر، هرچند اصل ولایت فقیه به تبع بحث امامت، یک بحث کلامی است ولیکن تکیه گاه ولی فقیه و ابزار اعمال ولایت از ناحیه او، فقه می باشد. آنچه مسلم است رمز شکل گیری انتظار حقیقی و فراهم سازی مقدمات ظهور، کنار گذاشتن منیّت ها، و تبعیت تامّ از ولی فقیه است و لذا مهم ترین توقع از منتظران، حرکت شانه به شانه با ولی فقیه و پرهیز از عقب ماندن یا جلو زدن از او می باشد.

**ششم. سربلند درآمدن از فتنه های سخت**

همانطور که قبلا نیز اشاره شد، دوران غیبت، مشحون از فتنه های سخت و پیچیده است. منشاء بخشی از این فتنه ها جهل یا نفاق داخلی است و منشأ بخشی دیگر از فتنه ها توطئه خارجی است. به هرحال، در دوران غیبت، فتنه های رنگارنگ و فریبنده می آیند و می روند و کسانی از شرّ آن ها نجات می یابند که با بصیرت لازم قلمرو جریان حق و موقعیت صحیح خود در آن را تشخیص داده و شانه به شانه ولی فقیه حرکت کنند.

**هفتم. صبر و پایداری**

تحمل مصائب و خطرات عصر غیبت و ایستادگی بر مواضع حق، آنقدر سخت است که امام سجاد (ع) می فرمایند:« مَنْ ثَبَتَ عَلى وِلايَتِنا فى غَيْبَةِ قائِمِنا اَعْطاهُ اللّه ُ اَجْرَ اَلْفِ شَهيدٍ مِثْلَ شُهَداء بَدْرٍ وَ اُحُدٍ؛ هرکس در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد، خدا اجر هزار شهید مانند شهدای بدر و احد به او عطا می کند».[بحارالأنوار، ج 52، ص 125 .] بنابراین، خیلی مهم است که منتظران از بروز گرفتاری ها و ناملایمات و احیانا ضعف ها، شکست ها و تنهایی ها خسته و نا امید نشوند و بر سر پیمان خود بایستند. جمله ای است از امام مهدی (ع) که می فرمایند :« إنَّ اللهَ مَعَنا، فَلا فاقَهَ بِنا إلى غَیْرِهِ، وَالْحَقُّ مَعَنا فَلَنْ یُوحِشَنا مَنْ قَعَدَ عَنّا ؛ خدا با ماست و نیازمند دیگری نیستیم، حق با ما است و باکی نیست که کسی از ما روی بگرداند» . (بحارالأنوار، ج 53، ص 178)همچنین حضرت ارواحنا فداه در جای دیگر می فرمایند :« فلا یستفرنک الشیطان، فان العزة لله ولرسوله وللمؤمنین، و لکن المنافقین لایعلمون، الا تعلم ان من انتظر امرنا و صبر علی، یری من الاذی والخوف، هو غدا فی زمرتنا... ؛شیطان تو را تحریک نکند. زیرا که عزت از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است لیکن منافقان نمی دانند، آیا نمی دانی کسی که منتظر امر ما (حاکمیت اجتماعی ما) باشد، و بر بیمها و آزارهایی که می بیند شکیبایی ورزد، در روز بازپسین در کنار ما خواهد بود...( الکلینی ، محمدبن یعقوب، الکافی، ج 8، ص 37) اصولا، یکی از وجوه سازنده انتظار فرج، همین قدرتی است که در منتظران برای عبور از مصائب و خطرات بوجود می آورد. انتظار تاکید می کند که این صبر و پایداری نهایتا به فرج ختم شده و مؤمنان و صالحان را به مقصد خواهد رساند. « فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا؛ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا؛ وَنَرَاهُ قَرِيبًا ». ( سوره معارج آیات 5 تا 7)

**هشتم. تحکیم دوستی ها و هم بستگی ها**

مؤمنین در دوران غیبت بیش از هر زمان نیازمند ارتباط، هماهنگی، هم بستگی و هم افزایی هستند و آنچه می تواند در کنار انگیزه ایمانی، این ارتباط را پایدار کند، تحکیم دوستی ها و صمیمیت ها حول کلمه حق، میان آنهاست. در این جهت، خیلی مهم است که عوامل تضعیف این دوستی ها، هم از ناحیه تک تک مؤمنین، و هم از ناحیه نخبگان جامعه شناسایی و از بین برود. در ارتباط با ثمره وابستگی ها و نقش آن در تعجیل فرج، مطلب مهمی از امام مهدی (ع) منقول است که می فرمایند :« وَ لَوْ أَنَّ أَشْياعَنا ـ وَفَّقَهُمُ اللّه لِطاعَتِةِ ـ عَلَى اجْتِماعٍ مِنَ القُلُوبِ فِى الوَفاءِ بِالعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَما تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْيُمْنُ بِلِقائِنا، وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعادَةُ بِمُشاهَدَتِنا عَلى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِها مِنْهُم بِنا؛ اگر شيعيان ما - که خداوند آنها را به بندگی خویش موفق بدارد- در وفای به عهد و پیمان الهی اتحاد و اتفاق می داشتند، سعادت دیدار ما به تاخیر نمی افتاد» .(بحارالأنوار، ج 53، ص 176)

**نهم. حفظ شور و حرارت**

گرچه شور و حرارت بدون وجود عقلانیت ثمره چندانی ندارد لکن اگر شور و حرارت با عقلانیت پیوند بخورد، نیروی قوی ای را برای پیشبرد جبهه حق فراهم خواهد ساخت که نظیر آن پیدا نخواهد شد. برخی روشنفکر مآبان با تقبیح شور و حرارت، آن را یک امر حسی و عاطفی تلقی می کنند که زمینه واقع بینی را در جامعه از بین می برد؛ این در حالی است که شور و حرارت در پیوند با عقلانیت، جامعه را از رخوت، کسالت و تنبلی نجات می دهد و به جامعه برای پیگیری اهداف و آرمان هایش نشاط و سرزندگی می بخشد. بنابراین، جامعه منتظر، جامعه ای است دارای شور و حرارت صحیح برای پیگیری مقاصد خود که مهم ترین آنها، فراهم سازی مقدمات ظهور است.

**دهم. تجسم بخشی به جبهه حق و پیام آن**

یکی از اقدامات مهم و سازنده منتظران در عصر غیبت، برجسته سازی جبهه حق و پیام آن در جامعه و خارج کردن آن از انزوای تحمیلی است. باید توجه داشت که جبهه باطل اهل تظاهرات و پرهیاهو است و همین امر موجب می شود تا تصور شود بر جامعه و فرهنگ حاکم بر آن، غلبه دارد. در چنین شرایطی، لازم است با بروز و ظهور دادن به جریان حق و تجسم بخشی به کل این جریان در جامعه اسلامی، اعتماد به نفس لازم را در میان مؤمنین برای پیگیری مجدانه مواضع حقشان بوجود آورد.

1. . سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی [↑](#footnote-ref-1)